

[مناقشه محقق اصفهانی در کلام مرحوم آخوند 1](#_Toc31696788)

[جامع ذاتی مقولی 2](#_Toc31696789)

[جامع عنوانی 2](#_Toc31696790)

[تبیین محقق اصفهانی از اثر واحد نماز 3](#_Toc31696791)

[اشکال دیگری از محقق اصفهانی 4](#_Toc31696792)

**موضوع**: جامع صحیحی /صحیح و اعم /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در تقریب کلام مرحوم آخوند در تصویر جامع طبق قول به صحیح بود؛ بعد از اینکه ایشان تصویر جامع را در هر صورت لازم دانستند؛ زیرا در غیر این صورت، اشتراک لفظی یا مجاز یا وضع عام و موضوع له خاص می شود که خلاف وجدان لغوی است. بنابر این باید جامعی فرض شود که همان موضع له لفظ باشد.

مرحوم آخوند جامع بسیط منطبق بر فعل مکلف (به نحو عنوان و معنون) را بیان می کنند و می فرمایند اگر افعال مکلف و مامور به منطبق بر یکدیگر باشد و مامور به مسبب از افعال مکلف نباشد؛ در شک در جزء و شرط اصل برائت جاری است؛ ولی مرحوم صدر به این مطلب اشکال نموده و گفتیم که بیانات شهید صدر اشکال به مرحوم آخوند نیست بلکه تفسیر و تبیین کلام مرحوم آخوند است.

بنابر این مرحوم آخوند جامع بسیط منطبق بر فعل مکلف را به عنوان جامع فرض نمودند، اما اشکالاتی به آن مطرح شده است

# مناقشه محقق اصفهانی در کلام مرحوم آخوند[[1]](#footnote-1)

جامع بسیط منطبق بر فعل مکلف یا معقول نیست و یا واقعیت خارجی ندارد؛ به این بیان که: جامع بسیط منطبق بر افعال خارجی، به دو نحوه متصور است

## جامع ذاتی مقولی

اگر جامع در کلام مرحوم آخوند به معنای جامع حقیقی ماهوی (مقولی) باشد \_که ظاهر کلام مرحوم آخوند نیز همین است که ذاتی مقولی باب کلیات خمس مراد ایشان است نه ذاتی باب برهان مثل زوجیت اربعه\_ به این معنا که نماز وضع برای امر واحد بسیطی وضع شده است؛ در این صورت دو اشکال عقلی برآن وارد است:

اولا: لازمه کلام مذکور این است که مقولات متعدد، واحد بشوند؛ زیرا نماز متشکل از مقولات متعددی است مانند کیف مسموع (در الفاظ) و مقوله وضع (در رکوع و سجود) است که از اجناس عالیه هستند و جامع واحد حقیقی ندارند ولذا نمی توان امر واحدی را متحد و منطبق با مقولات متعدد دانست\_ به نظر ما این مطلب صحیح است و به همین جهت این امور، مقولات عالیه محسوب شده اند\_ بلکه حتی اگر در ادله سماعی، ظهوری در این مطلب وجود داشته باشد که جامع واحدی برای مقولات متعدد وجود دارد، باید آن را تاویل نمود، زیرا التزام به خلاف برهان ممکن نیست همان گونه که آیه «ید الله فوق ایدیهم»، در دلالت بر جسمیت خدا باید توجیه شود.

ثانیا: نماز حتی اگر مقولات متعدد نیز نباشد اما وجودات متعدد است و حداقل، مصادیق متعدد مقوله واحدی می باشد و اتحاد امر بسیط با امر مرکب غلط است؛ زیرا اتحاد بسیط با مرکب ممکن نبوده و مستلزم همان کلام مسیحیان است که ادعای اتحاد یک و سه دارند بلکه بدتر از کلام مسیحیان است؛ زیرا ادعای اتحاد یک و مرکبی دارای بیش از ده جزء است و مقوله واحده بودن منافات با متعدد بودن ندارد پس قابلیت اتحاد با امر واحد بسیط نیست. بنابر این مرحوم اصفهانی جامع مقولی بسیط را غیر ممکن دانستند.

## جامع عنوانی

اگر مراد مرحوم آخوند از جامع بسیط، جامع عنوانی در مقابل جامع ذاتی باشد. این جامع شامل عنوان عرضی ملازم ذات نیز می شود؛ مثلا صلاه، جامع عنوان ناهی از منکر است اما ناهی از منکر بودن \_هر چند که امری حقیقی است و تاثیر آن واقعی است\_ اما با ماهیت و ذات صلاه متحد نیست؛ بلکه مانند ضاحک نسبت به انسان است که حقیقتا و تکوینا منطبق بر انسان می شود و اعتباری نیست، اما ماهیت و حقیقت انسان و ضاحک متحد نیست که این احتمال از ذیل کلام مرحوم آخوند در ثمره که اتحاد عنوان و معنون را مطرح کرده اند استفاده شده است.

این احتمال هر چند که معقول است اما در خارج واقع نشده است؛ زیرا هر چند که نماز، ناهی از منکر است؛ اما معنای موضوع له و مفهوم نماز، ناهی از منکر نیست؛ همان گونه که مفهوم انسان عین مفهوم ضاحک نیست و لذا اگر صلاه وضع برای ناهی از منکر شده باشد، استعمال آن در افعال خارجی نماز، با عنایت و مجاز است؛ زیرا معنا و مفهوم نماز و ناهی از منکر متفاوت هستند و در نتیجه اجزای نماز، با قطع نظر از اثر ناهی از منکر بودن نماز هستند علاوه بر اینکه در استعمال صلاه در افعال خارجی حیث تاثیر و ناهی از منکر بودن مغفول است و اگر شارع به این آثار تصریح نمی کرد، عرف مطلع بر این آثار نبود؛ در حالیکه به وجدان، هیچ مجاز و عنایتی در استعمال صلاه در مورد افعال خارجی نماز نیست.

به عبارت دیگر طبق مبنای محقق اصفهانی، همان گونه که استعمال ضاحک در مورد انسان مجاز است، استعمال ناهی از منکر نیز در مورد نماز مجاز است و از اینرو ایشان فرمودند که از حمل ضاحک بر انسان کشف حقیقت نمی شود پس اگر نماز به معنای ناهی از منکر است، استعمال آن در مورد آنچه به حمل شایع ناهی از منکر است مجازی خواهد بود؛ زیرا وضع برای عنوان عرضی ملازم شده است، در حالیکه بالوجدان هیچ عنایت و مجازی در استعمال صلاه در مورد افعال خارجی وجود ندارد؛ علاوه بر این که وضع صلاه برای ناهی از منکر اصلا عرفی نیست و تکلف دارد.

اما این که گفته شود، صلاه وضع برای جامع عنوانی شده است و از طریق اثر بدان اشاره می شود اما جامع عنوانی و موضوع له اصلی، عنوان مبهمی غیر از ناهی از منکر است \_همان گونه که طبق بیان ما، انسان برای ماهیت مبهمه انسان وضع شده است و با خصوصیات عرضی به آن ماهیت اشاره می شود\_ خلاف ظاهر است؛ زیرا عرفی نیست که گفته شود معنای لفظ صلاه برای واضع روشن نبوده است.

اما جامع اعتباری که مرحوم صدر مطرح نمودند؛ در کلام مرحوم آخوند مطرح نشده بود؛ چرا که مراد مرحوم آخوند از جامع، امر حقیقی است و به همین دلیل به قاعده الواحد استدلال نموده اند و به همین جهت است که مرحوم صدر نباید به مرحوم آخوند اشکال کند که قاعده الواحد در جامع اعتباری صادق نیست و تنها در امور حقیقی است چون مرحوم آخوند اصلا جامع اعتباری را موضوع له نمی داند.

## تبیین محقق اصفهانی از اثر واحد نماز

سپس مرحوم اصفهانی به این پرداخته اند که چگونه نماز که امر واحدی نیست، اثر واحدی مانند نهی از فحشاء داشته باشد

ایشان دو احتمال در توجیه آن مطرح می کنند.

1- اثر واحد « نهی از فحشاء» وحدت عنوانی دارد؛ زیرا ناهی بودن مراتبی دارد همان گونه که نماز نیز مراتبی دارد پس ناهی از منکر بودن، وحدت بالعنوان دارد نه وحدت حقیقیه ؛ یعنی نماز عالیه ناهی از همه منکرات است و نماز ضعیف، نهی از منکرات کمتری دارد.

2- ناهی بودن نماز به این معنا است که هر جزئی از نماز نهی از منکری از منکرات است و به اعتبار تاثیر کل در کل گفته شده است که نماز ناهی از منکرات است؛ چرا که وحدت ناهی از منکر، وحدت حقیقیه نیست بلکه وحدت به عنوان دارد و لذا ممکن است هر جزئی ناهی از منکری باشد.

## اشکال دیگری از محقق اصفهانی

اشکال دیگر محقق اصفهانی به مرحوم آخوند این است که اگر جامع بسیط متحد با مرکب متصور باشد \_ که به نظر ما معقول نیست\_ تصویر جامع، اختصاصی به قول صحیح ندارد و طبق قول به اعم نیز متصور است، در حالیکه مرحوم آخوند تصویر جامع را طبق قول به صحیح با توجه به اثر واحد ممکن دانستند اما تصاویر جامع را طبق قول به اعم نقل و رد نموده و تصویر جامع را محال یا مشکل دانستند.

توضیح تصویر جامع طبق قول به اعم \_ بر فرض امکان تصویر جامع بسیط برای نماز \_ به این نحو است که اثر واحدی که طبق قول به صحیح، مترتب بر نماز بود و موجب اشاره به جامع واحد بسیط بود، طبق قول به اعم نیز متصور است یعنی می توان طبق قول به اعم نیز اثر واحدی برای نماز فرض نمود که ناشی از وحدت حقیقی نماز طبق قول به اعم باشد.

اثر واحدی که طبق قوله اعم می توان به سبب آن به حقیقت واحده اشاره نمود، امر اقتضایی است مثلا اثر نماز چهار رکعتی مسافر که باید نماز دو رکعتی بخواند، این است که اگر از حاضر صادر شود، صحیح است؛ یعنی نماز وضع شده برای امری که می تواند برای برخی افراد صحیح باشد، پس نماز برای جامع صحیح و فاسد وضع شده که آن جامع، به وسیله، اثر اقتضایی (قابلیت صحت در حالت خاص است) قابل اشاره است پس بنابر فرض معقولیت کلام مرحوم آخوند،طبق قول به اعم نیز تصویر جامع ممکن است.

1. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص61.](http://lib.eshia.ir/27897/1/61/بسط) [↑](#footnote-ref-1)